

فوسترومو



جوزف کنراد

ترجمه سهیل سُمی

انتشارات ققنوس

تهران، ۱۳۸۸

سرشناسه: کنراد، جوزف ۱۸۷۵-۱۹۲۴ م. **Conrad, Joseph**
عنوان و نام پدیدآور: نوسترومو / جوزف کنراد؛ ترجمه سهیل سمی.
مشخصات نشر: تهران: ققنوس، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری: ۵۲۰ ص.
فروست: ادبیات جهان؛ ۹۲. زمان: ۷۷.
شابک: ۱-۸۲۷-۳۱۱-۹۶۶-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا.
یادداشت: عنوان اصلی: *Nostramo, 2004*
موضوع: داستان‌های انگلیسی - قرن ۲۰ م.
شناسه افزوده: سمی، سهیل؛ ۱۳۴۹ - مترجم.
رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۸۵۲۵۵۹۶/PZ۳
رده بندی دیویی: ۸۱۳/۹۱۲
شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۳۳۵۰۳

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Nostromo

Joseph Conrad

New American Library



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمیری

شماره ۱۰۷، تلفن ۴۰ ۸۶ ۴۰ ۶۶

* * *

جوزف کنراد

نوسترومو

ترجمه سهیل ستمی

چاپ اول

۲۲۰۰ نسخه

زمستان ۱۳۸۸

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۱ - ۸۴۷ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 847 - 1

info@qoqnoos.ir

www.qoqnoos.ir

Printed in Iran

۹۰۰۰ تومان



دوره‌ای که در آن آشنایی با فراز و نشیب زندگی رمان‌نویسان به شکلی سنتی بخشی از نقد و درک رمان بود دیگر گذشته است. اما زندگی رمان‌نویس به عنوان یک خالق، هنوز هم می‌تواند الهام‌بخش باشد و به درک شرایطی که اثر در آن خلق شده است کمک کند. ملاحظیات زندگی‌نامه‌ای اگر نه در نقد خود رمان، بلکه دست‌کم، در تجربه جهان و بستری که اثر در آن خلق شده اساسی‌اند. میان دنیای واقعی نویسنده و دنیای خیالی رمانش همیشه پیوندهای اسرارآمیزی برقرار است که بررسی آن‌ها حکم خواندن رمانی در باب رمان دیگر را دارد. سپس در این راه، زندگی نویسنده نیز راهی جز تبدیل شدن به داستان یا رمانی دیگر ندارد. یوزف تئودور کونراد کوژنیوفسکی در سوم دسامبر سال ۱۸۵۷ در لهستانی که در آن زمان تحت فرمان و انقیاد روسیه بود به دنیا آمد. در پنج سالگی به همراه پدر و مادرش، که به عنوان عناصر سیاسی به روسیه تبعید شدند، پا به این کشور گذاشت. در دوازده سالگی یتیم شد و در کراکوف به دبیرستان رفت. در سال ۱۸۷۴ به اقصای فرانسه از لهستان خارج شد. در شهر مارسی به گروه مدافعان دون کارلوس، پسر دوم چارلز چهارم، که خود را پادشاه برحق اسپانیا می‌دانست، پیوست و در قاچاق اسلحه برای کارلیست‌ها شرکت کرد. اولین بار در سال

۱۸۷۵ با کشتی تجاری فرانسه راهی سفر دریایی شد. سپس بین سال‌های ۱۸۷۸ تا ۱۸۹۴ به همراه کشتی‌های بریتانیا، کشوری که تابعیت آن را پذیرفت، به آب‌های دور دنیا سفر کرد. در این مدت از ناخداسومی به ناخدایکمی ترفیع پیدا کرد و سرانجام در سال ۱۸۸۶ ناخدای کشتی شد. در سال ۱۸۹۰، چهار سال پس از پذیرش تابعیت بریتانیا، با کشتی راهی رودخانه کنگو شد و در سال ۱۸۹۴ به‌رغم میل خودش دریا را ترک کرد. نخستین رمانش^۱ در سال ۱۸۹۵ چاپ شد. در سال ۱۸۹۶ ازدواج کرد و صاحب دو پسر شد. در تابستان ۱۹۱۴ برای دیدن کشورش به لهستان برگشت و پس از آغاز جنگ جهانی اول، به کمک سفیر آمریکا در وین توانست به انگلیس برگردد. در سال ۱۹۲۳ در حالی که به گرمی از او استقبال شد به آمریکا سفر کرد و در سوم اوت سال بعد، یعنی سال ۱۹۲۴ درگذشت و در گورستانی در کنتزبری به خاک سپرده شد.

خود کنراد به فوردمدوکس فورد، دوست و همکارش، گفته بود که اولین رمانش را روی آستر بدرقه و حاشیه‌ها و داخل جلد کپی‌ای که از رمان مادام بواری داشته، نوشته است. او همچنین به فورد گفته بود که اولین بار، وقتی از پنجره کوچک کشتی چشمش به اسکله افتاده و مهمانکده‌ای را که وعده‌گاه مادام بواری و رودولف بوده، دیده بود، به فکر نویسنده شدن افتاده بود. البته کنراد بعدها در این باب ماجراهای دیگری نیز تعریف کرد. اما صرف‌نظر از این داستان، روشن است که کنراد ابتدا با آثار ادبی فرانسه آشنا شده بوده. پیش از آن‌که بتواند به زبان انگلیسی صحبت کند، فرانسه را خوب و روان حرف می‌زده است. در حوزه نوشتن، تحت تأثیر فلوربر، کاررمان‌نویس را به معنای واقعی کلمه هنر می‌دانسته، هنری که مستلزم تلاش، زحمت و ایثار بسیار است.

فوردمدوکس فورد می‌گوید که زبان اندیشه کنراد فرانسه بوده، اما با توجه به نثر متکلف و آهنگین کنراد در آثارش، به‌ویژه آن دسته از آثارش که رخدادهایشان بیش‌تر بر پهنه آب می‌گذرند، کاملاً مشخص می‌شود که احساسات و اندیشه و خاطرات این نویسنده با زبان انگلیسی پیوندی انکار نکردنی دارند. آثار کنراد را در نگاهی کلی می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: اول ناول‌ها هستند،

منظور از نوول داستان کوتاه بلندی است که حجم آن چنان هست که به شکل جداگانه صحافی و چاپ شود، اما از طرف دیگر، به اندازهٔ رمان‌های کلاسیک قطور و پر حجم نیست. اتفاقاً کنراد در عرصهٔ نوول نویسی بسیار کارگشته و خیره‌تر است. رمان‌های کلاسیک و مفضل او نوسترومو (۱۹۰۴)، مأمور مخفی (۱۹۰۷)، از چشم غربی (۱۹۱۱)، شانس (۱۹۱۳) و پیروزی (۱۹۱۵) هستند. از این نظر، نوسترومو نسبت به مابقی رمان‌ها پیچیده‌تر و به لحاظ محیط داستان بسیار گسترده‌تر است. از نوول‌ها نیز می‌توان دل تاریکی، طوفان و جوانی را نام برد.

مضمون تعدادی از برترین آثار کنراد تنهایی است. این مضمون در نوسترومو نیز آشکار است. تنهایی نوسترومو، تنهایی خانم گولد، تنهایی مبارز پیر ایتالیایی که هرگز به تفاهم یا پیوندی متقابل نمی‌انجامد. نوسترومو، در حقیقت، بررسی عمیق و نیز ظریف تأثیرات فاسدکنندهٔ سیاست و منافع مادی بر روابط انسان‌هاست. از این لحاظ، مأمور مخفی و از چشم غربی نیز از مضمون تأثیر سیاست خالی نیستند. شخصیت‌های رمان نوسترومو پنداری هر یک صاحب تاریخی مجزا و منحصر به فرد هستند. چارلز گولد تجلی شخصیت حقیقی یک استعمارگر اروپایی است؛ سرد و بی‌احساس و منطق‌زده. زندگی همسرش، خانم گولد، نیز در این سرزمین خیالی در آمریکای جنوبی به فاجعه تبدیل می‌شود، فاجعهٔ ناشی از تنهایی و عدم ارتباط. مارتین دیکور فرانسوی نیز آن‌جا که چند شب و روز در جزیره‌ای کوچک تنها می‌ماند، به عنوان شخصیت روشنفکر رمان پی می‌برد که استقلال وجودی‌اش توهمی بیش نبوده و در نهایت در اوج تنهایی راهی متفاوت در پیش می‌گیرد. اما جورج و یولای پیر از جهانی دیگر، از دنیای کهن، دنیای ارزش‌ها می‌آید، و دنیای قدیمی او با دنیای پر از حرص و فساد که در نوسترومو می‌بینیم هیچ همخوانی‌ای ندارد.

در مورد سبک و نوع نگارش کنراد نیز، برای مثال، نوعی تفاوت میان نثر نوسترومو و نثر دل تاریکی مشهود است. از این نظر، نوسترومو و معدودی از آثار دیگر کنراد مانند پیروزی و شانس را می‌توان در یک دسته، و آثاری چون داستان مُرداب، سپاهوسپ نارسیوس و طوفان و دل تاریکی را در دستهٔ دیگر گنجانند. نثر آثار گروه اول در عین آن‌که چون همهٔ آثار این نویسنده سنگین است، ساده و

زودفهم هم است. برای مثال، ویژگی نوسترومو عظمت و ساختار دقیق این رمان است. زبان به مفهوم ادبی کلمه چالش برانگیز نیست، بلکه تمهیدی است برای توصیف و تشریح، توصیف مکان‌ها و شرح انگیزه‌ها و شخصیت‌ها. اما در آثار دسته دوم، زبان کارکردی پیچیده‌تر دارد، زبان نوعی حال و هوای رازورزانه و پر رمز و راز خلق می‌کند، و بسیار آهنگین است، به نحوی که حتی بدون آن‌که رشته‌حوادثی را توصیف کند یا انگیزه‌ای را شرح دهد، رازآفرین و آبستن نماد و اسطوره خلق شده است؛ نمونه بارز این آثار دل تاریکی است. با این‌که خوانندگان کنراد را بیش‌تر به خاطر این‌گونه آثارش می‌شناسند، خود کنراد و حتی منتقدانی برجسته چون اف. آر. لیویس نوسترومو را بهترین رمان او می‌دانند. کنراد، خود توضیح داده است که ایده نگارش رمان نوسترومو چگونه به ذهنش رسید. او از یکی از دوستان صمیمی‌اش در مورد ملوانی در آمریکای جنوبی داستانی می‌شنود؛ در این داستان، ملوان واقعی مردی پست است که دست به دزدی نقره می‌زند و حتی به هنگام مستی و از خود بیخودی در مورد این کارش لاف هم می‌زده. ملوان در حضور همه فریاد می‌زده که علت پولدار شدنش کار کردن با کشتی کوچکش نیست، بلکه هر از گاه، به گنجینه‌ای که ربوده سری می‌زده و کمی نقره از آن برمی‌داشته و می‌فروخته. کنراد شرح می‌دهد که مدتی درگیر این داستان بوده تا سرانجام به این نتیجه می‌رسد که این شخصیت در رمانش نباید حتماً شخصیتی منفی باشد، بلکه برعکس، می‌تواند قهرمانی محبوب و مردمی باشد، مردی با معیارها و اخلاقیات خاص خود.

حال، نوسترومو به فارسی ترجمه و چاپ شده است. جای این رمان هم مثل بسیاری دیگر از آثار ادبی دیگر، از جمله بعضی از آثار خیلی خوب خود کنراد، در ترجمه‌های فارسی خالی بود. تصور این‌که دوران کنراد و آثار او گذشته و حال باید به آثار دیگر پرداخت، نه تنها زاینده ذهنی آشنا با ادبیات نیست، بلکه بچگانه نیز به نظر می‌رسد. نویسندگانی چون کنراد، به قول خود غربی‌ها اورژینال یا اصیل و صاحب سبک هستند، و روشن است که بدون در نظر گرفتن نویسندگانی مثل او، هر برداشتی از رمان در هر دوره و برهه زمانی‌ای، ناقص و دچار کم و کاستی خواهد بود.

از نویسندگان گذشته انبوهی از آثار عالی باقی مانده که هنوز ترجمه نشده‌اند؛ و حتی اگر تک‌تک مردم کشورمان نیز زبان دوم، انگلیسی، فرانسه یا هر زبان دیگری را که اثر در بستر آن خلق می‌شود به خوبی زبان فارسی می‌دانستند، باز هم عرصهٔ رمان در زبان فارسی به ترجمهٔ این آثار نیازمند بود. به امید این که ترجمهٔ نوستروموو، بزرگ‌ترین اثر کنراد، گامی باشد در راه ترجمهٔ منسجم و نظام‌مند آثار درخشانی که از نظر مترجمان و، در نتیجه، خوانندگان ایرانی دور مانده‌اند.